Archive of SID

ارائه بسته مدیریتی مطلوب و بومی جهت مدیریت عوامل خرد ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربای ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

احسان ذاکرنیا*
مجید زین‌الدینی**

چکیده

تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم مطالبات معوق نظام بانکی در سال‌های اخیر باعث ایجاد بحران بالقوه در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا شده است. لازم است پیش از بروز و بالفعل‌شدن بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور برای آن چاره‌اندیشی لازم صورت گیرد و راهکارهای متناسب با اقتضائات بومی کشور ارائه گردد. برای تحقق این هدف در این پژوهش مجموعه راهکارهای موجود در سیستم بانکی که جهت مواجهه با عوامل خرد مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری استفاده می‌شوند، بررسی شده و سپس با راهکارهای پیشنهادی تکمیل گردیدند. در ادامه معیارهای مورد نیاز جهت مطلوب و کاربردی‌بودن یک راهکار در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا تبیین شده و تمامی این راهکارها با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی بر اساس معیارهای راهکار مطلوب یعنی شرعیت و قانونی‌بودن و بازدارندگی و غیره بررسی گردید و در نهایت بسته مدیریتی پیشنهادی جهت استفاده در نظام بانکی کشور که از نظر معیارهای فوق به تأیید مدیران عامل بانک‌های کشور رسیده است ارائه شده؛ به گونه‌ای که برای هریک از عوامل، یک یا چند راهکار متناسب با ماهیت آن عامل مطرح شده است.

واژگان کلیدی: *بانک، ریسک اعتباری، عوامل خرد، مالی اسلامی، مدیریت ریسک، نکول.*
طبقه‌بندی JEL: G31, G32, G21, Z12.

*. دانشجوی دکترای مدیریت مالی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول).
Email: ehsanzakernia@gmail.com.
**. مدرس دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش. Email: zeineddini@yahoo.com.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

توسعه اقتصادی در هر کشوری در گرو استفاده بهینه از سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری مناسب در بخش‌ها و پروژه‌های سودآور است. یکی از مهم‌ترین مسائل نظام بانکی در سال‌های اخیر مسئله تشدید ریسک اعتباری و به بیان بهتر رسیدن بانک‌ها به مرز بحران اعتباری است. مطابق تعریف، یک بانک زمانی با ریسک اعتباری مواجه می‌شود که مشتریان دریافت‌کننده تسهیلات نخواهند یا نتوانند به‌موقع نسبت به بازپرداخت اصل یا فرع تسهیلات دریافتی خود اقدام نمایند و در واقع از انجام تعهدات خود نکول کنند. (saunders, 2011, p.186)

نمود خارجی ریسک اعتباری در شبکه بانکی پدیده مطالبات معوق است که سیر رشد فاجعه‌بار آن به‌خصوص در سال‌های اخیر، آن را به یکی از مسائل مهم نظام بانکی تبدیل کرده است و لازم است ضمن بررسی دقیق این عوامل جهت مدیریت آنها راهکار مناسب ارائه گردد. اهمیت این پژوهش آنجاست که با وجود پژوهش‌های متعددی که در حوزه ریسک اعتباری و مطالبات معوق صورت گرفته ولی در هیچ‌یک از تحقیقات داخلی و خارجی تلفیقی بین مسائل کمی و فنی و بومی و اسلامی نشده و همچنین نگاه جامع‌نگر به مجموعه عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری وجود نداشته است. تحقیقات مشابه معمولاً اهتمام خود را به بررسی چند عامل محدود صرف کرده‌اند و یا مثلاً یک ابزار مدیریت ریسک را معرفی نموده و یا از منظر فقهی تحلیل نموده‌اند.

با توجه به اینکه بخش مهمی از عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری، عوامل خرد هستند در این پژوهش هدف و انگیزه محقق کمک به نظام اقتصادی از طریق بررسی علل خرد مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم مطالبات معوق در شبکه بانکی کشور و پیشنهاد راهکارهای مؤثر و متناسب با اصول اسلامی حاکم بر بانکداری بدون ربا در قالب ارائه یک بسته مدیریتی جامع متناسب با نیازهای بومی و اقتصادی کشور است. پرسش اصلی تحقیق عبارت است از اینکه راهکار یا راهکارهای مناسب برای مدیریت هریک از عوامل خرد اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم مطالبات معوق در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا کدام‌اند؟ همچنین فرضیه اولیه ما این است که راهکارهای

www.SID.ir

Archive of SID

مناسب جهت مدیریت این عوامل بر اساس ماهیت آنها متفاوت بوده و برای هر عامل باید راهکارهای کاربردی مجزا در قالب یک بسته مدیریتی ارائه نمود.

این پژوهش می‌تواند به شناخت دقیق و علمی پدیده ریسک اعتباری و به خصوص علل بروز مطالبات معوق در شبکه بانکی کشور کمک نماید و به منبعی جامع جهت استفاده پژوهشگران و فعالان عرصه بانکداری کشور مبدل گردد و همچنین با ارائه راهکارهای مناسب و منطبق با اصول اسلامی حاکم بر بانکداری بدون ربا سبب کاهش حجم مطالبات معوق و تزریق منابع مالی آزادشده به اقتصاد کشور جهت استفاده بهینه از آنها و تسهیل رشد اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری بانک‌ها از رهگذر ریسک اعتباری گردد. اگر تشدید ریسک اعتباری در بانک‌ها به نحو مطلوب مدیریت نشود باعث بی‌اعتمادی مردم نسبت به شبکه بانکی کشور و بروز بحران اعتباری و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کشور شده و به‌صورت دومینوگونه کل نظام بانکی و اقتصاد را می‌تواند ورشکسته کند؛ ضمناً مسئله توجه به موضوع ارائه راهکار مناسب و منطبق با اصول اسلامی حاکم بر بانکداری بدون ربا نیز از ضرورت بالایی برخوردار است.

این مقاله در بخش‌های زیر ساماندهی شده است؛ در بخش اول مقدمه و تبیین مسئله صورت می‌گیرد. در بخش دوم ادبیات پژوهش ذکر شده و در بخش سوم روش تحقیق مورد استفاده تبیین شده است. مبانی نظری مدیریت ریسک و مالی اسلامی در بخش چهارم بیان شده و در بخش پنجم معیارهای راهکار مطلوب تبیین می‌گردند و در پایان نیز تحقیق با خلاصه و نتیجه‌گیری و ارائه بسته مدیریتی ریسک اعتباری سامان می‌یابد.

ادبیات پژوهش

در این بخش مفاهیم پایه‌ای و پیشینه پژوهش تبیین می‌شود.

تعریف مدیریت ریسک

مدیریت ریسک فرایندی است که نهادهای مالی برای تعریف استراتژی کسب‌وکار، میزان ریسک‌های در معرض کسب و کار، کمی‌سازی آن ریسک‌ها و در نهایت شناسایی و کنترل ماهیت ریسک‌های پیش رو به کار می‌برند (Christine, 2001, p.3).

www.SID.ir

Archive of SID

هدف از مدیریت ریسک اعتباری

هدف از مدیریت ریسک اعتباری، آن است که با حفظ ریسک اعتباری در محدوده‌های قابل قبول، نسبت بازگشت اعتبارات بانکی موزون‌شده به ریسک حداکثر شود. مدیریت کارای ریسک اعتباری جزئی از یک روش جامع مدیریت ریسک و شرط اساسی موفقیت بلندمدت هر بانک محسوب می‌گردد (basel, 1999, p.4).

پیشینه تحقیق

۱. مطالعات داخلی

زین‌الدین و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش «بررسی عوامل تشدید ریسک اعتباری و ارائه راهکارهای مناسب جهت مدیریت بحران اعتباری در نظام بانکداری بدون ربای ایران» به شناسایی مجموعه عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری پرداخته و هشت عامل با ماهیت کلان و هفت عامل با ماهیت خرد را به‌عنوان عوامل اصلی مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری معرفی نموده‌اند.

نظرپور و *رضایی* (۱۳۹۲) در مقاله «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات» به دنبال اثبات این فرضیه هستند که عقود مبادله‌ای ریسک اعتباری کمتری در مقایسه با عقود مشارکتی برای مؤسسات مالی و بانک‌ها ایجاد می‌کنند.

خدامی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «اعتبارسنجی واحدهای تجاری دریافت‌کننده تسهیلات مالی مبتنی بر صورت‌های مالی» به بررسی موضوع کارایی تکنیک‌های داده‌کاوی جهت اعتبارسنجی مشتریان بانک پرداخته است.

کردبچه و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله «تبیین عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران» به بررسی عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در بانکداری ایران پرداخته‌اند.

اکرامی و همکاران (۱۳۸۸) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانکی» به بررسی برخی عوامل مرتبط با مطالبات سررسید گذشته و معوق به منظور ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری از ایجاد آن پرداخته‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

۲. مطالعات خارجی

سلما و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل خرد و کلان مؤثر بر وام‌های غیر جاری» تأثیر متغیرهای نظیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری و نرخ بهره واقعی به عنوان متغیرهای کلان اقتصادی و متغیرهای بازده دارایی‌ها و تغییر در وام و نسبت ذخیره سوخت‌شدن وام به‌کل وام‌ها را به عنوان عوامل خاص اثرگذار بر افزایش مطالبات معوق پرداختند.

کبیر و *ورثینگتون* (۲۰۱۵) در مقاله «مقایسه ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف» به تبیین میزان ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف پرداخته‌اند.

از مجموع یافته‌های تحقیقات داخلی و خارجی انجام‌شده در زمینه ریسک اعتباری و مطالبات معوق بانکی در تقویت ادبیات پژوهش حاضر و استخراج علل اثرگذار بر موضوع و راهکارها و ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری استفاده می‌شود؛ ولی توجه به اصول اسلامی حاکم بر بانکداری بدون ربا در قسمت ارائه راهکار، یکی از وجوه افتراق با تحقیق‌های خارجی محسوب می‌شود. در تحقیقات گذشته نگاه جامع‌نگر وجود نداشته و فقط به بررسی اثر چند عامل محدود پرداخته‌اند. نوآوری این تحقیق این است که بین مسائل کمی و فنی و بومی و اسلامی تلفیقی بدیع ارائه نموده و نگاهی جامع و از ابعاد گوناگون به مسئله ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور داشته است. تأییدیه چند تن از مدیران عامل بانک‌های کشور نیز گواه بر این مدعاست و سطح کاربردی تحقیق را بالا می‌برد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است و از حیث ماهیت جزء تحقیقات کیفی و با روش تحلیلی ـ توصیفی است (خاکی، ۱۳۸۴، ص۷۳). در این تحقیق با مراجعه به متون اقتصادی، حقوقی و فقهی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های منطقی داده‌ها، یافته‌های تحقیق حاصل شده‌اند. در نهایت جهت تأیید نتایج و راهکارها از برخی از مدیران عامل بانک‌ها تأییدیه مبنی بر کاربردی و مفیدبودن راهکارها اخذ گردید.

www.SID.ir

Archive of SID

مبانی نظری

۱. عوامل اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری

به‌طورکلی عوامل اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری به دو گروه کلی عوامل کلان (برون‌زا) و عوامل خرد (درون‌زا) تقسیم می‌گردند. عوامل کلان یا برون‌زا عواملی هستند که از حیطه کنترل یک بانک یا بنگاه خارج بوده و بر همه اقتصاد اثرگذاری می‌کنند. برعکس عوامل خرد(درون‌زا) عواملی هستند که در حیطه اختیارات و قدرت یک بانک یا بنگاه خاص هستند و بر اثر سوءمدیریت یا مشکلات ذاتی یک بنگاه به وجود می‌آیند و به سایر بانک‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی ارتباطی ندارند. (saunders, 2011).

۲. عوامل کلان (برون‌زا)

بر اساس تحقیقات انجام‌شده در یک برشماری کلی عوامل خرد مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری بانک‌ها که نقشی مهم و تعیین‌کننده در تشدید سطح ریسک اعتباری بانک‌های کشور دارند را می‌توان در موارد زیر دانست:

۱. ضعف در فرایند کارشناسی اعطای تسهیلات (Louzis et al, 2012)؛

۲. عدم اخذ تضامین مناسب (بافنده زنده و همکاران، ۱۳۹۳)؛

۳. ضعف ناشی از کیفیت اعتباری پایین مشتریان (Pasiouras et al, 2006)؛

۴. ضعف در فرایند کنترل بازپرداخت تسهیلات (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۱)؛

۵. مشکلات ساختاری بانک مانند مالکیت دولتی و تمرکزگرایی (Demirguc-Kunt et al, 2008)؛

۶. افزایش رفتار ریسک‌پذیرانه مدیریت بانک‌ها (Makri, V.et al, 2014)؛

۷. مشکلات ناشی از ویژگی‌های مورد مصرف تسهیلات مانند صوری‌بودن محل مصرف تسهیلات و انحراف از محل مصرف تسهیلات (زین‌الدین و ذاکرنیا، ۱۳۹۶).

پس از برشماری علل مهم اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری لازم است راهکارهای مناسب برای مدیریت هر دسته از عوامل اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم مطالبات معوق در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا ارائه گردد؛ همچنین این راهکارها باید معیارهای راهکار مطلوب را دارا باشند.

www.SID.ir

Archive of SID

تجزیه و تحلیل

معیارهای راهکار مطلوب

پس از برشماری علل کلان اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری به نظر می‌رسد متناسب با موضوع مورد مطالعه و اقتضائات بومی و اسلامی این ساختار لازم است معیارهای مورد نیاز در راهکارهای مطلوب تبیین گردند. هر راهکار جهت مدیریت ریسک اعتباری باید دارای معیارهای مشروعیت، جواز قانونی، تفکیک بین عوامل تأخیر، ایجاد انگیزه پرداخت به موقع و بازدارندگی از نکول، جبران خسارت بانک و سپرده‌گذاران بانکی در اثر نکول و سرعت و سهولت باشد (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۰).

ارائه راهکارهای مطلوب

۱. استفاده از نظام اعتبارسنجی دقیق

اعتبارسنجی با انواع مدل‌های کمی و کیفی و روش‌های آن ازآنجاکه صرفاً به دنبال افزایش شفافیت و انتخاب بهینه مشتریان هستند به خودی خود هیچ مشکل شرعی و قانونی نداشته و لذا دو معیار اول را دارا بلکه برعکس جزء وظایف قانونی و شرعی بانکی‌ها هست و اگر تخصیص بهینه منابع صورت نگیرد تخلف واقع شده است. از نظر معیار تفکیک بین عوامل تأخیر نیز نه‌تنها ایرادی بر این روش‌ها وارد نمی‌باشد، بلکه اعتبارسنجی در هر سطح، به تفکیک بهتر بین عوامل تأخیر و مشتریان خوب و بد کمک می‌نماید. از نظر ایجاد انگیزه و بازدارندگی در نکول هم اعتبارسنجی باعث می‌شود که اشخاص حقیقی یا حقوقی به جهت حفظ اعتبار و در واقع حیات اقتصادی خود حداکثر تلاش خود را در مسیر ایفای به موقع تعهدات انجام دهند و این مسئله کمک شایانی به بهبود ریسک اعتباری می‌کند (صادقی شاهدانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۰۱-۱۰۲).

از نظر جبران خسارت هم اعتبارسنجی دقیق باعث می‌شود که انتخاب مشتریان به‌صورت دقیق صورت گیرد و از اعطای اعتبار به افراد بدحساب جلوگیری شود یا تمهیدات ویژه (نرخ سود، وثایق و ...) دیده شود که باعث جلوگیری از زیان‌های بالقوه بانک می‌شود. نسبت به آخرین معیار یعنی سهولت نیز در صورت همت نهادهای حاکمیتی

www.SID.ir

Archive of SID

ازجمله بانک مرکزی و ...، ایجاد پایگاه‌های داده مالی افراد و اتصال پایگاه‌های داده بانک‌های مختلف به یکدیگر استفاده از انواع مدل‌های اعتبارسنجی به شدت ساده بوده و تنها نیاز به یک برنامه‌نویسی ساده کامپیوتری دارد و خروجی نهایی حاصل گردد. در کشور ما در سال‌های اخیر اقدامات خوبی در این راستا صورت گرفته است؛ ولی همچنان تا نقطه مطلوب فاصله وجود دارد.

علاوه بر روش‌های رتبه‌بندی داخلی بانک‌ها، پیدایش و تقویت مؤسسات اعتباری تخصصی در کشور و استفاده از ظرفیت مؤسسات اعتبارسنجی بین‌المللی جهت رتبه‌بندی اعتباری و ارائه تسهیلات به برخی از شرکت‌ها و مؤسسات نیز می‌تواند در پوشش‌دادن ریسک‌های اعتباری بانک‌ها نقش به سزایی داشته باشد.

۲. گروه‌بندی مشتریان بر اساس ویژگی‌های اعتباری آنها

این راهکار مشابه راهکار قبل است.

۳. ایجاد تنوع در طیف تسهیلات اعطاشده

این مورد نیز به لحاظ شرعی و قانونی هیچ‌گونه محدودیتی ندارد؛ چراکه به یک تصمیم مدیریتی بانک مربوط می‌شود که کاملاً در حیطه اختیارات قانونی بانک بوده و اگر به جهت استفاده بهینه از منابع و کنترل ریسک و کاهش زیان‌های احتمالی صورت گیرد به منزله حسن امانت‌داری وکالت بانک از جانب سپرده‌گذاران و صاحبان وجوه بوده که به لحاظ شرعی ممدوح نیز هست.

از لحاظ تفکیک بین عوامل تأخیر و متخلفین و معسرین نیز این راهکار کاراست؛ چون اساس ایجاد تنوع در تسهیلات اعطایی به مشتریان و اختصاص برخی تسهیلات به افراد خوش‌حساب بر اساس ویژگی‌های فردی آنهاست که دقیقاً این عامل رعایت می‌گردد.

به لحاظ بازدارندگی از نکول و انگیزانندگی به عمل به تعهدات نیز این راهکار مناسب است چون افراد را تشویق می‌کند که در زمره افراد خوش‌حساب و معتبر قرار گیرند تا بتوانند از تنوع بیشتر و مبالغ بالاتری از انواع تسهیلات بانکی استفاده نمایند. با جلوگیری از ریسک‌ها و زیان‌های بالقوه و تخصیص بهینه‌تر منابع این روش باعث کاهش زیان‌های احتمالی بانک می‌گردد و چون تسهیلات بر اساس ویژگی‌های فردی افراد به آنها اعطا

www.SID.ir

Archive of SID

گردیده، ویژگی‌های فردی افراد در اعطای تسهیلات لحاظ شده است و تدابیر مدیریت ریسک لازم در مورد ایشان از لحاظ تعیین سطح اعتباری وثایق لازم و غیره اندیشیده شده است و در صورت بروز تخلف، خسارت بانک با احتمال بیشتری جبران خواهد شد. به لحاظ سهولت و سرعت هم این راهکار به اعتبارسنجی گره خورده است و اگر آن مرحله به خوبی انجام شود گروه‌بندی و بودجه‌بندی تسهیلات برای افراد مختلف و تعیین شرایط برای هر گروه کار ساده و سریعی خواهد بود و از این نظر مشکلی وجود ندارد.

۴. نرخ‌گذاری متفاوت تسهیلات بر اساس وضعیت اعتباری افراد

ازآنجایی‌که بانک سود خود را به عنوان شریک پروژه یا واسطه‌ای که کالا یا خدمت مورد نیاز مشتری را تهیه می‌کند می‌تواند بر اساس ویژگی‌های پروژه یا فردی که خواستار دریافت تسهیلات است یا ریسک اعتباری و غیره نرخ‌های بالاتری را از مشتری مطالبه نماید که در هر صورت این مسئله به لحاظ قانونی و شرعی مشکلی ندارد.

ازآنجاکه تفاوت نرخ سود مطالبه‌شده در قرارداد با مشتری بر اساس ویژگی‌های فرد و محل مصرف منابع تعیین می‌گردد طبیعی است که تفکیک بین عوامل تأخیر نیز به‌طور کامل لحاظ می‌گردد؛ همچنین نرخ‌های تعدیل‌شده بر اساس ریسک، انگیزش کافی در عمل به تعهدات را ایجاد کرده و خسارات احتمالی بانک را نیز پوشش می‌دهند. از لحاظ سرعت و سهولت نیز این راهکار مطلوب بوده؛ چون صرفاً به انجام برخی محاسبات حسابداری و مالی ساده نیاز داشته که پس از محاسبه ملاک عمل خواهد بود.

۵. ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از مشتریان بانکی

این نیز مانند مورد قبل نه‌تنها منع قانونی و شرعی نداشته، بلکه در صورت وقوع به انجام هرچه بهتر وظایف بانک‌ها منجر می‌گردد و در زمینه تفکیک بین عوامل و انگیزه‌های تأخیر بسیار راهگشا بوده و از تخصیص ناصحیح منابع و قرارگرفتن منابع بانکی در معرض زیان‌ها جلوگیری می‌کند و با راهنمایی بانک جهت اقدام به‌موقع باعث جبران خسارت‌های بانکی می‌گردد. ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از مشتریان و ارتقای شفافیت همواره باعث ایجاد بازدارندگی از انجام هرگونه تخلف و کوتاهی در مشتریان می‌گردد؛ چراکه مشتری

www.SID.ir

Archive of SID

احساس می‌کند در صورت تخلف مانند بانک‌های سایر کشورهای دنیا از هستی ساقط شده و به لیست سیاه سیستم مالی وارد می‌شود. به لحاظ سرعت و سهولت نیز چنین اقدامی نیازمند ایجاد برخی زیرساخت‌ها و اتصال پایگاه‌های داده بانک‌ها، بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی و غیره هست که در صورت وجود عزم جدی جهت تحقق این امر چون یک فرایند رایانه‌ای و شبکه‌ای است با مشارکت کل شبکه بانکی می‌توان مانند سایر کشورهای دنیا این امر را تحقق بخشید (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۳-۱۷۴).

۶. منوط‌کردن اعطای تسهیلات به مدارک مستند و حسابرسی‌شده

این تصمیم نیز به لحاظ شرعی و قانونی مشکلی نداشته و اقدامی پسندیده تلقی می‌گردد. در صورت اخذ مدارک مستند و حسابرسی‌شده در مرحله اعطای تسهیلات، امکان تفکیک بین عوامل تأخیر نیز بهتر فراهم می‌شود و انگیزه تخلف کاهش پیدا می‌کند؛ همچنین باعث تخصیص بهینه‌تر منابع بانکی شده و خسارت‌های احتمالی بانک را کاهش می‌دهد. به لحاظ سرعت و سهولت نیز مشکلی برای اجرایی‌شدن ندارد و باعث استانداردترشدن عملیات بانکی می‌گردد (همان).

۷. ایجاد رابطه بلندمدت با مشتری

این راهکار نیز به لحاظ معیارهای شرعی و قانونی محدودیتی ندارد؛ چون جزء اختیارات و سلیقه مدیریتی بانک‌هاست. به لحاظ بازدارندگی، مشتریان جهت حفظ اعتبار خود تشویق می‌شوند تخلفی انجام ندهند این باعث کاهش مخاطرات بانک و خسارت‌های احتمالی بانک می‌گردد. رابطه بلندمدت با مشتری باعث ارتقای شناخت می‌گردد که خودبه‌خود به تفکیک بین عوامل تأخیر احتمالی منجر می‌گردد. درنهایت به لحاظ سرعت و سهولت نیز بسیار مطلوب است؛ چون گردآوری اطلاعات نسبت به یک مشتری قدیمی بانک نسبت به یک مشتری جدید بسیار ساده و آسان‌تر است (خلیلی عراقی، ۱۳۸۴، ص۱۸۹).

۸. اعطای اختیار به متصدیان اعطای تسهیلات

افزایش اختیارت متصدیان در کنار افزایش مسئولیت ایشان در حوزه تخصیص منابع به لحاظ شرعی و قانونی منعی نداشته و یک تصمیم مدیریتی بانک تلقی می‌گردد؛ چون تخصیص منابع با مسئولیت متصدیان اعتباری بانک صورت گرفته است و به‌طور طبیعی

www.SID.ir

Archive of SID

افرادی که در صف عملیات بانکی حضور دارند شناخت بیشتری نسبت به مشتریان دارنـد، تخصیص منابع و راهکارهای استمهال و غیـره بـا دقـت بیشـتری اتخـاذ شـده؛ لـذا هـم از خسارت‌های احتمالی و جبران زیان‌های بانک بهبود وضعیت خـواهیم داشـت و هـم بـین عوامل و انگیزه‌های تأخیر تفکیک صورت خواهد گرفـت. بـه لحـاظ ایجـاد بازدارنـدگی و انگیزه انجام تعهدات به‌موقع نیز این راهکار باعث می‌شود جدیت کارکنان بانک بیشتر شده و مدارک و تعهدات الزام‌آور کافی از مشتریان درخواست کنند و بـر فعالیـت آنهـا نظـارت بیشتری صورت گیرد که باعث بازدارندگی تخلف از جانب مشتریان نیز می‌گردد. به لحـاظ سرعت و سهولت نیز این راهکار مطلـوب بـوده و تنهـا نیازمنـد یـک تصـمیم مـدیریتی و بخشنامه و غیره است (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۳).

۹. تنظیم اسناد و مدارک رسمی و محکمه‌پسند

تنظیم اسناد رسمی و قراردادهای معتبـر حقـوقی جهـت طـرح دعـوای احتمـالی در مـورد تسهیلات اعطایی نیز شرط عقـل بـوده و بـه لحـاظ مشـروعیت و قـانونی‌بـودن کـاملاً بـا معیارهای پیش‌گفته سازگار بوده و هیچ منعی در این رابطه وجود ندارد.

در خصوص تفکیک بین عوامل تأخیر نیز باید در متن قراردادها مواردی گنجانـده شـود که بین افراد خاطی و افرادی که دچار مشکل مقطعی شده‌اند امکان تمایز قائل‌شـدن وجـود داشته باشد و مشتری در صورت اثبات ورشکستگی و غیره بتواند از مکانیزم‌هـای اسـتمهال تسهیلات استفاده کند (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۳).

در صورت تدوین متقن قراردادها و عدم امکان برداشت‌های متفـاوت باعـث مـی‌شـود افراد از بیم محکومیـت‌هـای حقـوقی از تخلفـات و نکـول دوری کننـد؛ همچنـین وجـود قراردادهای استاندارد و متقن باعث می‌شود در صورت بروز تخلف از جانب مشتری بتـوان تمامی حقوق بانک را از طریق مراجع حقوقی استیفا نمود. از لحاظ سرعت و سـهولت نیـز این راهکار برای بانـک هزینـه زمـانی و مـالی خاصـی نداشـته و بـا طراحـی قراردادهـای استاندارد توسط بانک مرکزی یا اداره مرکزی بانک‌ها می‌توان ایـن مهـم را تحقـق بخشـید؛ البته امروزه اکثر قراردادها از این نظر تقویت شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۰. اخذ وثیقه، ضمانت‌نامه و تضمین‌های مناسب

استفاده از ضامن و گرفتن وثیقه‌های معتبر و دارای قابلیت نقدشوندگی مناسب، از نظر شرعی اشکالی ندارد اساساً عقد ضمانت از عقود شرعی بوده و به لحاظ قانونی هم جایگاه تعریف‌شده و مشخصی دارد؛ ولی استفاده از این روش برای حل مشکل تأخیر تأدیه، در برخی موارد که بدهکار پرداخت یک یا چند قسط را برای چند ماه به‌صورت موردی یا تکراری به تأخیر می‌اندازد، مشکلات متعددی را به همراه خواهد داشت (همان).

در سازوکار مراجعه به ضامن و نقدکردن وثیقه‌ها و غیره معمولاً تفکیکی بین عوامل تأخیر صورت نگرفته و با همه نکول‌کنندگان به یک دید نگاه می‌شود؛ البته می‌توان تفکیک بین برخورد را بر اساس روش‌های قبلی لحاظ نمود. این راهکار به لحاظ انگیزانندگی در عمل به تعهدات و بازدارندگی در نکول توسط مشتریان به جهت ترس از دست‌دادن دارایی که به رهن گذاشته‌اند یا رفتن آبرو و اعتبارشان به جهت مراجعه بانک به ضامن‌ها می‌تواند مناسب باشد؛ به شرطی که در اخذ ضامن معتبر و دارایی ارزشمند به اندازه تکافوی میزان وام، دقت‌های لازم به‌عمل‌آمده باشد. در این صورت امکان خسارت‌های بانک نیز تا حدود نسبتاً مناسبی پوشش داده خواهد شد؛ ولی به علت طولانی‌شدن فرایند تملک وثیقه‌ها و غیره ممکن است برخی خسارت‌های وارد بر طلبکار از جهت کاهش ارزش پول و از دست‌رفتن منافع مورد انتظار جبران نشود؛ البته به لحاظ سرعت و سهولت، این روش ایرادات جدی دارد؛ چراکه معمولاً فرایند نقدکردن وثایق فرایندی دشوار و زمان‌بر است. در مورد ضمانت هم اگر از ضمانت‌نامه‌های بانکی و یا گواهی‌های کسر از حقوق برای ضامن استفاده گردد سرعت و سهولت کار مناسب است در غیر این صورت فرایند مراجعه به ضامن نیز سخت و زمان‌بر خواهد بود.

۱۱. استفاده از ابزارهای تعویض بدهی با سهام یا دارایی

استفاده از این روش به این صورت است که زمان مشخص شدن عدم توانایی مشتری (حقیقی یا حقوقی) برای بازپرداخت وام، بانک بلافاصله و قبل ازاینکه مشتری ورشکسته شود با مشتری وارد مذاکره شود و قسمتی از سهام یا دارایی‌های آن را به نام بانک واگذار

www.SID.ir

Archive of SID

می‌کند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۴).

استفاده از این روش نیز منع شرعی و قانونی نداشته و به بانک کمک می‌کند تا بتواند خسارت‌های احتمالی ناشی از نکول مشتری را با یک تصمیم مدیریتی صحیح از طریق تملک به موقع دارایی‌های مشتری کاهش دهد. به همین دلیل باعث بازدارندگی از تخلف در مشتریان می‌گردد چون در صورت تخلف، دارایی‌های ارزشمند خود را از دست خواهند داد. از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر این راهکار خاموش بوده که البته لازم است بین افراد متخلف و معسر و غیره تفکیک قائل شد؛ ولی به لحاظ سرعت و سهولت مطلوب نیست؛ چراکه معمولاً فرایند تملک دارایی و سهام فرایندی زمان‌بر است.

۱۲. توجه به شرایط کلی اقتصادی و به‌طور خاص شرایط ویژگی‌های صنعت متقاضی وام

لحاظ‌کردن وضعیت کلان اقتصاد کشور و صنعت متقاضی تسهیلات نیز از نظر شرعی و قانونی محدودیتی نداشته و با درنظرگرفتن شرایط محیطی احتمالی تحمیل‌شده بر گیرندگان تسهیلات، سبب تفکیک مناسب بین عوامل تأخیر می‌گردد. از نظر ایجاد انگیزه در بازپرداخت و بازدارندگی از نکول نیز مشکلی در اجرای این روش وجود ندارد.

اگر بانک پیش از اعطای تسهیلات، شرایط کلان اقتصادی و عوامل برون‌زای اثرگذار بر عملکرد مشتری را در نظر بگیرد سبب می‌شود از تصمیمات نادرست در حوزه تخصیص منابع جلوگیری شود و از این طریق باعث کاهش زیان‌های بالقوه می‌گردد. به جهت سرعت و سهولت نیز اگر قرار باشد به‌صورت جزئی و در سطح شعب سنجش صورت گیرد فرایند اعطای تسهیلات بسیار زمان‌بر و دشوار می‌گردد که چنین امری منطقی به نظر نمی‌رسد؛ ولی اگر به‌صورت کلان و در مقاطع زمانی ماهیانه یا فصلی پیمایشی توسط دوایر مرکزی بانک‌ها یا حتی بانک مرکزی در مورد وضعیت کلی صنایع و بخش‌های مختلف اقتصادی وضعیت درآمدی خانوارها و بنگاه‌ها تهیه و جهت استفاده بانک‌ها در اختیار شعب قرار داده شود و از این گزارش‌ها در تصمیم‌گیری‌ها استفاده گردد قطعاً به لحاظ سهولت و سرعت نیز مطلوب بوده و مانعی بر سر راه بانک‌ها ایجاد نکرده و

www.SID.ir

Archive of SID

راهگشا خواهد بود (صادقی شاهدانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۰۱ـ۱۰۲).

۱۳. تشکیل سبد دارایی بهینه از دارایی‌های بانک

این مورد نیز به لحاظ شرعی و قانونی هیچ‌گونه محدودیتی ندارد؛ چراکه به یک تصمیم مدیریتی بانک مربوط می‌شود که بودجه‌بندی تسهیلات و منابع بانکی به‌صورت صحیح انجام گیرد. تفکیک بین عوامل تأخیر و متخلفین و معسرین و بازدارندگی از تخلفات خارج از حیطه این راهکار است؛ ولی با تخصیص بهینه منابع باعث کاهش زیان‌های احتمالی بانک می‌گردد. به لحاظ سهولت و سرعت نیز محدودیتی ندارد و صرفاً یک سیاست‌گذاری صحیح توسط ستاد مرکزی بانک می‌طلبد که به‌طور معمول مطالعات بازار و نظر کارشناسی در حوزه‌های مختلف بازار را انجام دهند و صرفاً باید اطلاع‌رسانی و تدوین بخشنامه متناسب صورت گیرد (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۱).

۱۴. نظارت

نظارت بر محل مصرف منابع به لحاظ شرعی و قانونی هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و برعکس جزء وظایف شرعی و قانون بانک است به جهت استفاده بهینه از منابع و کنترل ریسک و کاهش زیان‌های احتمالی بانک کمک می‌کند که بسیار مطلوب و لازم است.

از لحاظ تفکیکی بین عوامل تأخیر و متخلفین و معسرین نیز این راهکار مناسب است؛ چون با نظارت بر محل مصرف منابع هم از حسن استفاده از منابع اطمینان حاصل می‌شود و هم افراد خاطی را جهت انجام برخوردهای قانونی لازم شناسایی می‌کند.

به لحاظ بازدارندگی از نکول و انگیزانندگی عمل به تعهدات نیز این راهکار بسیار مطلوب است؛ چون مشتریان بانکی می‌دانند بر فعالیت آنها نظارت صورت می‌گیرد؛ لذا انگیزه هرگونه تخلف در آنها کاهش پیدا می‌کند؛ همچنین با جلوگیری از ریسک‌ها و زیان‌های بالقوه ناشی از سوءاستفاده از منابع بانکی باعث کاهش زیان‌های احتمالی بانک می‌گردد و در صورت وقوع انحراف در محل مصرف منابع، بانک سریعاً مطلع شده و اقدامات لازم را جهت جلوگیری از بروز و تشدید خسارت انجام می‌دهد؛ پس به لحاظ جبران خسارت‌های احتمالی بانک نیز مطلوب است. به لحاظ سهولت و سرعت هم اگر

www.SID.ir

Archive of SID

بانک در مرحله اعطای تسهیلات دقت لازم را انجام داده باشد و بر اساس آن، سازوکارهای نظارتی و گزارش‌گیری از مشتری بر اساس حجم منابع و نوع مصرف منابع و غیره را نهادینه سازد کار ساده و سریعی خواهد بود و از این نظر مشکلی نخواهد داشت.

۱۵. کنترل ویژه بر وام‌های کلان

این راهکار از نظر انطباق با معیارهای راهکار مطلوب مشابه راهکار قبلی است.

۱۶. تقویت مدیریت ناظر بر امور شعب خصوصاً نظارت مؤثر و نظام‌مند بر فرایند اعطای تسهیلات رابطه‌ای و رانتی

این راهکار از نظر تطابق با معیارهای راهکار مطلوب مشابه راهکار قبلی است.

۱۷. ارتقای نظام مدیریت منابع انسانی

فقدان نیروی انسانی مجرب، کارآزموده، مطمئن و متعهد، نه‌تنها به تحقق اهداف بانک نمی‌انجامد، بلکه باعث هدررفتن منابع و درنهایت تضعیف توان مالی و اعتباری بانک می‌شود. ارتقای نظام مدیریت منابع انسانی بانک‌ها از طریق آموزش و شایسته‌سالاری و غیره نه‌تنها مشکل شرعی و قانونی نداشته، بلکه جزء وظایف آنهاست. به‌طور مستقیم با تفکیک بین عوامل تأخیر و بازدارندگی ارتباطی ندارد؛ ولی داشتن نیروی انسانی کارآمد از نظر این معیارها باعث تحقق آنها شده و از خسارت‌های احتمالی آتی بانک جلوگیری می‌کند. از نظر ایجاد انگیزه و بازدارندگی از ایجاد تخلف نیز داشتن کارکنان توانا و متخصص باعث کاهش انگیزه تخلف در مشتریان می‌شود؛ چراکه در صورت تخلف با افرادی زبده مواجه بوده که حقوق بانک را به‌خوبی استیفا می‌کنند. ارتقای نظام مدیریت منابع انسانی بانک نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و ساختارهای مدیریتی بانک است که فرایندی نسبتاً زمان‌بر است؛ ولی برای موفقیت بانک حیاتی هست.

۱۸. ایجاد انگیزه در کارکنان برای وصول مطالبات

ایجاد انگیزه و استفاده از سازوکارهای تشویقی در کارکنان جهت پیگیری بهتر وصول مطالبات بانکی نیز به لحاظ شرعی و قانونی هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و از اساس جزء اختیارات مدیریتی بانک و متناسب با وظیفه امانت‌داری و وکالت بانک‌هاست. نظارت دقیق‌تر و بهتر بر عملکرد مشتریان و پیگیری وصول مطالبات باعث می‌شود که نسبت به

www.SID.ir

Archive of SID

میزان مشکل مشتریان آگاهی کسب شود و بین مشتریان متخلف و غیر خاطی تفکیک ایجاد شود. پیگیری مستمر مطالبات بانکی توسط کارکنان بانک و اقدام به‌موقع کارکنان شعب باعث می‌شود انگیزه نکول در مشتریان کاهش یابد. خسارات احتمالی بانک در صورت وقوع نکول نیز به علت پیگیری به‌موقع و پیوسته وصول مطالبات به حداقل رسیده و حداکثر منافع بانک رعایت می‌گردد مگر اینکه مشتری واقعاً معسر شده باشد که در این صورت خارج از این بحث است. از نظر سرعت و سهولت نیز در صورتی که فرایند اعطای تسهیلات به درستی اجرا شده باشد وثایق و ضامنین به درستی اخذ شده باشند بسیار سهل و سریع خواهد بود (همان، ص۱۷۴).

۱۹. ایجاد هماهنگی کامل بین بانک‌های کشور در نحوه برخورد با بدهکاران و مبادلات اطلاعات سالم

از نظر معیارهای راهکار مطلوب این راهکار امری شرعی و قانونی بوده و با ارتقای شفافیت و اتصال اطلاعات بانک‌ها به یکدیگر باعث ایجاد بازدارندگی و کاهش انگیزه فساد و تخلف و زیان شبکه بانکی می‌شود. از نظر سرعت و سهولت نیز پیاده‌سازی آن نیازمند تقویت شورای هماهنگی بانک‌های کشور و ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعاتی است (همان، ص۱۷۲).

۲۰. استمهال مطالبات به روش مشارکت کاهنده

در این روش بانک پس از بررسی شرایط متقاضی و کارشناسی پرونده و اطمینان از اینکه مشتری جزء سوءاستفاده‌کنندگان از منابع بانک نبوده و در گروه فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت قرار دارد، کل مطالبات بانک از مشتری شامل اصل و سود تسهیلات پرداختی حال شده و بر این اساس میزان مطالبات بانک تعیین می‌گردد. مشتری نیز نسبت به معرفی دارایی خود به بانک اقدام می‌نماید. عمر مفید دارایی معرفی‌شده حداقل باید با مدت قرارداد مشارکت برابر باشد. در مرحله بعد بانک نسبت به ارزیابی دارایی توسط کارشناسان بانک یا کارشناس رسمی دادگستری اقدام می‌کند. پس از مشخص‌شدن مبلغ ارزیابی، کل سرمایه مشارکت مشخص‌شده و با توجه به مبلغ بدهی مشتری، بانک درصد سهم‌الشرکه خود را به‌صورت نقدی تعیین می‌نماید. درصد سهم‌الشرکه مشتری نیز مشخص

www.SID.ir

Archive of SID

و به‌صورت غیر نقدی در قرارداد قید می‌گردد و بانک با مشتری شریک می‌شود. با توجه به اینکه بانک با عقد مشارکت مدنی کاهنده و با شرط ضمن عقد در اموال معرفی‌شده مشتری شریک می‌شود با واگذاری بخشی از سهم‌الشرکه بانک به شریک، در هر مرحله سهم مشتری در دارایی افزایش و سهم بانک کاهش می‌یابد؛ ضمناً بانک در طول دوره مشارکت، سهم‌الشرکه خود را به مشتری اجاره داده و پیشنهاد می‌شود با توجه به سادگی و عدم اشکال فقهی اجاره به‌شرط تملیک، از این مدل جهت تعیین اجاره‌بها استفاده گردد. در پایان قرارداد، در صورت ایفای تعهدات مشتری، سهم بانک از دارایی به‌مشتری انتقال یافته و مشتری مالک کل دارایی می‌گردد و بدین طریق تسهیلات مشتری تسویه می‌گردد (موسویان و همکاران، ۱۳۹۳، ص۳۹۷ـ۴۰۶).

از جهت تفکیک بین عوامل تأخیر هم پیش‌فرض این روش این است که این ارزیابی و بررسی توسط بانک انجام می‌شود و استمهال مطالبات معوق فقط برای آن دسته از مشتریان بانکی اعمال می‌شود که دارای مشکل موقت و مقطعی هستند؛ چون تمامی روش‌ها دارای نرخ سود و در واقع نوعی تسهیلات جدید هستند و مشتریان تمایلی به پرداخت سود و جریمه ندارند؛ لذا از بازدارندگی کافی نیز برخوردار هستند. پرداخت سود و جریمه، خسارت‌های وارده بر بانک را نیز به میزان مناسبی پوشش می‌دهد؛ پس از این منظر نیز مشکلی وجود ندارد. به لحاظ شرعی نیز، عقد مشارکت مدنی از انواع قراردادهای اسلامی است و فقها در خصوص صحیح‌بودن این عقد اتفاق‌نظر دارند و با توجه به اینکه این راهکار بر اساس عقد مشارکت مدنی طراحی شده و این عقد در قانون عملیات بانکی بدون ربا وجود دارد، مشکلات قانونی نیز نداشته و در تمامی بخش‌های اقتصادی شامل صنعت، کشاورزی، ساختمان و غیره کاربرد دارد و چون تمامی مشتریان بانکی حداقل یک دارایی یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها جهت استفاده در این راهکار را دارا می‌باشند قابل استفاده است و جبران خسارات بانک و بازدارندگی از تخلف و نکول در مشتریان را نیز محقق می‌کند. از نظر مدت زمان، این شیوه برای استمهال مطالبات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مشتریان قابلیت استفاده دارد؛ لذا این راهکار می‌تواند به‌عنوان شیوه مطلوب

www.SID.ir

Archive of SID

استمهال در شبکه بانکی استفاده گردد.

۲۱. تقویت مکانیزم تشویقی جهت پرداخت زودتر از موعد

اعطای امتیازات تشویقی مانند دادن تخفیف به مشتریان در صورت بازپرداخت زودتر از موقع اقساط تسهیلات نیز دارای مبنای شرعی و قانونی بوده و هیچ‌گونه اشکالی از این نظر وجود ندارد؛ همچنین دادن امتیازاتی دیگر مانند در اولویت قراردادن استفاده از تسهیلات بانک و دادن امکان استفاده از سایر خدمات بانکی مانند صندوق امانات و غیره نیز از اختیارات مدیریتی بانک بوده و کاملاً شرعی و قانونی است. از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و کاهش انگیزه تخلف و نکول نیز این راهکار مطلوب است چون مکانیزم‌های تشویقی صرفاً در اختیار مشتریان خوش‌حساب قرار داده می‌شود؛ لذا باعث کاهش انگیزه نکول شده و برعکس انگیزه خوش‌حسابی و انجام به‌موقع تعهدات را در مشتریان تقویت می‌نماید. در واقع بانک با پذیرش هزینه تشویق خوش‌حسابی باعث جلوگیری از حجم زیادی از خسارت‌های تحمیلی به خود بابت مطالبات معوق می‌شود و منافع امکان برنامه‌ریزی استفاده بهینه از منابع و جلوگیری از بلوکه‌شدن منابع را نصیب خود می‌کند. از جهت سرعت و سهولت نیز این راهکار بسیار مطلوب است و صرفاً نیازمند تعیین مصادیق و معیارهای تشویقی است و سایر مسائل از جهت زمان پرداخت تسهیلات و مصداق خوش‌حسابی در نرم‌افزارهای حسابداری بانک موجود است و نیاز به کار خاصی ندارد.

۲۲. جریمه دیرکرد

در قراردادهای بانکی کشور مقرره‌ای به این صورت وجود دارد: «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل اصل بدهی، مبلغی به ذمه امضاکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت» (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۳).

به لحاظ قانونی بر اساس نظر فقهای شورای نگهبان جریمه تأخیر تأدیه در قانون عملیات بانکی ایران تعریف شده است و از این نظر مشکلی ندارد. از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر این راهکار ضعیف بوده و با همه افراد به دید متخلف برخورد می‌نماید و

www.SID.ir

Archive of SID

شاید بتوان گفت که از میان عوامل تأخیر تنها معسرین را جدا می‌کند که آن نیازمند طی مراحل دشوار اثبات اعسار است. به لحاظ ایجاد انگیزه و بازدارندگی و همچنین جبران خسارت‌های وارده بر بانک اگر نرخ سود تسهیلات به‌صورت غیر واقعی و غیر متناسب با نرخ تورم و نرخ بهره واقعی بازار تعیین شده باشد این راهکار مطلوب نخواهد بود و بانک تنها یک نوع از خسارت‌های وارد را دریافت می‌کند و خسارت‌های دیگر به‌ویژه خسارت ناشی از عدم نفع و فرصت‌های سرمایه‌گذاری سوخت‌شده را نمی‌تواند دریافت کند؛ ولی اگر نرخ تسهیلات متناسب با تورم و نرخ بازدهی بازار باشد این راهکار هم بازدارندگی لازم را داشته و هم باعث جبران خسارت‌های بانک و سپرده‌گذاران می‌گردد. به لحاظ سرعت و سهولت این راهکار بسیار مناسب است چون به‌صورت سیستمی و روزانه یک نرخ جریمه را به حساب مشتری اضافه می‌کند که بسیار ساده و کاراست؛ اما نسبت به مشروعیت این راهکار بین علما اختلاف‌نظر وجود دارد که در ادامه این مسئله تبیین خواهد شد.

به‌طورکلی دو دیدگاه میان علما در مورد مشروعیت جریمه تأخیر وجود دارد: عدم مشروعیت دریافت جریمه دیرکرد و مشروعیت دریافت جریمه دیرکرد. از نظر فقهای قائل به نظر اول اصلی‌ترین مشکل جریمه تأخیر مسئله ربوی‌بودن اشتراط جریمه دیرکرد است. این گروه معتقدند بانک‌ها با دریافت این مبلغ، به گیرندگان تسهیلات اجازه می‌دهند که بازپرداخت اقساط خویش را به تعویق انداخته و در مقابل، بدهی خود را همراه با مبلغی اضافه‌تر پرداخت کنند که این یکی از اقسام ربا ـ ربای جاهلی ـ است.

در مقابل طرفداران مشروعیت دریافت جریمه دیرکرد، ربوی‌بودن آن را منتفی دانسته‌اند؛ زیرا باور دارند بانک، جریمه را در برابر امهال به مشتری دریافت نمی‌کند تا مصداق ربای جاهلی باشد؛ بلکه در فرض تأخیر، مشتری متخلف موظف است افزون بر مبلغ جریمه، بدهی خویش را نیز فوراً پرداخت کند؛ به بیان دیگر بانک‌ها در ضمن قراردادهای مالی خود، شرطی ـ همچون شرط کیفری یا وجه التزام ـ را می‌گنجانند که بر اساس آن مشتریان متعهد می‌شوند دیون خود را در سررسید مقرر تأدیه کنند و در غیر این

www.SID.ir

Archive of SID

صورت، جریمه پرداخت کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص۱۹۶)؛ به عبارت دیگر این شرط، مجازاتی است که دو طرف قرارداد در عقد تعیین می‌کنند تا هر کدام از آنها که از مفاد عقد یا تعهد و التزامات پذیرفته‌شده در عقد تخلف کنند، مبلغی را به‌طرف مقابل بپردازد.

تفاوت‌های ماهوی که می‌توان در این مورد ذکر کرد عبارت‌اند از:

۱. رکن اساسی که در ربا وجود دارد، این است که آیا مال به‌دست‌آمده حاصل عرض معامله باشد یا از توابع آن و سببی جداگانه و مستقل نتوان برای به‌دست‌آمدن آن مال فرض کرد؟ درحالی‌که درباره مسئله دریافت جریمه می‌توان سبب مستقل، یعنی تخلف از شرط برای آن در نظر گرفت؛ در واقع همان‌طور که می‌توان از روش‌های دیگر مانند ضامن، وثیقه و... برای الزام بدهکار به تأدیه دین در سررسید مقرر استفاده کرد، می‌توان در صورت نقض عهد، مبلغی را به عنوان جریمه در نظر گرفت (آهنگران و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۸۸ـ۱۹۲).

۲. در حقیقت معنای حقیقی خسارت تأخیر، زیانی است که در اثر تأخیر پدید آمده و مدیون، افزون بر رد اصل پول باید آن را جبران کند؛ اما جریمه دیرکرد، تنبیه و جریمه مالی است که از مشتری متخلف به علت نقض تعهد یا کوتاهی در ادای تکلیف شرعی دریافت می‌شود، بدون توجه به مقدار خساراتی که از ناحیه تأخیر تأدیه متوجه بانک شده است (همان).

۳. بانک‌ها، از روش جریمه تأخیر بر مبنای وجه التزام به عنوان روشی برای تنبیه و مجازات مشتریان متخلف و جلوگیری از تکرار بهره می‌گیرند، نه به عنوان کسب درآمد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص۱۰۲).

۴. دریافت جریمه دیرکرد فقط در صورت اشتراط آن در قرارداد ممکن است؛ اما مطالبه خسارت تأخیر از مشتریان حتی بدون اشتراط آن در قرارداد، امکان‌پذیر است (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ص۳۰۶).

www.SID.ir

Archive of SID

۵. مقدار جریمه به توافق و تـراضی طـرفین قرارداد بستگی دارد؛ اما مقدار خسارت تأخیر تأدیه به میزان خـسارت‌هایی که در واقع به طلبکار تـحمیل شـده، بستگی دارد (آهنگران و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۹۲).

بنابراین لحاظ‌کردن ماهیت تنبیهی برای جریمه دیرکرد، طبیعت آن را از مسئله خسـارت تأخیر تأدیه جدا می‌سازد؛ زیرا خسارت تأخیر تأدیه، خسارتی اسـت کـه بـر اثـر تـأخیر در پرداخت و تأدیه دین حاصل می‌شود و از این بابت باید از طرف مدیون باید بـه دائـن داده شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ص۴).

بر اساس تفاوت‌هایی که بین جریمه دیـرکرد بـر مـبنای شرط کیفری مالی (وجه التزام) و خسارت تأخیر تأدیه وجود دارد و با توجه به اینکه این تـفاوت‌ها باعـث تفـاوت حکـم شرعی آنها می‌شود به نظر می‌رسد دریافت جریمه دیرکـرد در عقـدهای بـانکی بـر اسـاس مبنای شرط کیفری مالی مشتری متخلف صحیح و مشروع باشد و در نتیجه این راهکـار بـه لحاظ شرعی با محدودیتی مواجه نبوده و قابل استفاده است.

۲۳. تعزیر مالی متخلف

گیرندگان تسهیلاتِ بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتبـاری بـا تـأخیر در پرداخـت اقسـاط و نقض تـعهدات مـالی خود، افزون بـر ضـرر و زیـان مـالی بانـک‌هـا و مؤسسـات مـالی و اعتباری، آسیب‌های غیر قابل جبران اجتماعی و اقتصادی به‌کل جامعه وارد می‌کننـد. حـاکم شرع می‌تواند برای حفـظ مصـالح اجتمـاع، ایـن عـده از پیـمان‌شـکنان را هـمانند سـایر معصیت‌کاران تعزیر کند و یکی از انواع تعزیر، مجازات مالی است.

تعزیر مالی مشتریان پیمـان‌شـکن کـه جنبـه کیفـری دارد و از جهـت شـیوه اجـرا بـه صورت‌های مختلف تصویر و پیشنهاد شده است: مجازات مالی متخلف به نفع بیـت‌المـال، تـشکیل صـندوق خیریه، تشکیل صندوق حمایت از طلبکـاران، تفـویض امـر قضـایی بـه بانک‌ها و الزام متخلف به قرض بدون بهره به میزان تخلف (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۳ـ۱۱۴).

نسبت به مشروعیت مدل‌های مختلف اختلاف‌نظر وجود دارد؛ درحالی‌که مجازات مـالی متخلف توسط محاکم به نفع بیت‌المال و صـندوق خیریـه و تشـکیل صـندوق حمایـت از طلبکاران واجد پذیرش همگانی است، برخی از مراجع بـا روش تفـویض امـر قضـایی بـه

www.SID.ir

Archive of SID

بانک مخالفت کرده و آن را جایز نمی‌دانند و معتقدند که تعزیر مالی متخلف فقط باید به وسیله حاکم شرع انجام شود و بانک واجد چنین شأنی نیست؛ همچنین عده‌ای از علما الزام متخلف به دادن قرض بدون بهره به میزان تخلف را مانند جریمه تأخیر مصداق ربا می‌دانند که بر اساس مبنای مختار این مقاله که در قسمت پیشین ارائه شد این ایراد قابل پاسخ‌دهی است. از نظر قانونی نیز این راهکار قابل پیاده‌سازی است؛ چراکه اصل تعزیر مالی متخلف ممنوعیت شرعی نداشته و لذا در برخی کشورهای اسلامی بسترهای قانونی لازم برای آن طراحی و اجرا شده است و در کشور ما نیز این امکان وجود دارد.

از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر این راهکار در تمامی مدل‌ها به‌جز حالت تفویض امر قضایی به بانک‌ها قوی و مطلوب می‌باشد؛ چراکه در محاکم بر اساس وضعیت متخلفین حکم تعزیر صادر می‌شود و به‌طور طبیعی انتظار می‌رود بین عوامل تأخیر و افراد خاطی و غیر خاطی تفکیک قائل شود؛ اما در حالت تفویض امر قضایی به بانک‌ها به‌طور معمول بانک‌ها چون ذی‌نفع هستند حساسیتی بین موارد اعسار با غیر آن ندارند و این مورد می‌تواند منشأ ایجاد انحرافاتی شود.

تمامی شیوه‌های راهکار تعزیر مالی برای پرداخت به‌موقع بدهی ایجاد انگیزه می‌کنند؛ چراکه بدهکار در هر صورت جریمه مالی خواهد شد و این مطلب اثر بازدارندگی از تخلف دارد؛ هرچند که راهکار مدل‌های مختلف این راهکار تفاوت‌هایی دارند؛ مثلاً راهکار الزام متخلف به پرداخت قرض بدون بهره، محرک خوبی برای جلوگیری از تخلف نیست؛ چراکه فرد خاطی در صورت تخلف تنها لازم است مقداری قرض بپرازد و با توجه به شرایط تورمی حاکم بر جامعه و کاهش ارزش پول، تخلف‌کردن کاملاً دارای توجیه اقتصادی است. از نظر جبران‌خسارت‌های واردشده به بانک، روش مجازات مالی متخلف توسط محاکم به‌نفع بیت‌المال و صندوق خیریه مطلوب نبوده و خسارت‌های بانک جبران نمی‌شود؛ ولی تشکیل صندوق حمایت از طلبکاران به جهت پرداخت طلب بانک‌ها از محل منابع صندوق می‌تواند بخشی از خسارت‌های واردشده به بانک را جبران کند؛ همچنین الزام متخلف به دادن قرض بدون بهره هم به علت دسترسی بانک به منابع

www.SID.ir

Archive of SID

ارزان‌قیمت می‌تواند درصدی از خسارت‌های بانک را جبران کند؛ البته این راهکار از این نظر مطلوب نیست؛ اما تفویض امر قضایی به بانک‌ها به علت دادن اختیارات کافی به بانک جهت تعزیر مالی متخلفین از نظر جبران خسارت‌های بانک مطلوب است. از نظر سهولت و سرعت کلیه راهکارهای تعزیر مالی به دلیل اینکه مبتنی بر تشکیل پرونده و طی مراحل قضایی هستند مشکلات، هزینه‌ها و زمان‌بری زیادی دارند؛ اما شیوه چهارم که توسط خود بانک اجرا می‌شود، نسبت به سایر موارد سریع‌تر، آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است.

۲۴. موجودی جبرانی

یکی از روش‌هایی که می‌توان جهت کاهش ریسک اعتباری به کار برد و در شبکه بانکی نیز کاربرد فروان دارد این است که شخصی که وام دریافت می‌کند، باید حداقل مقداری از وجوه وام ـ مثلاً ۱۰ درصد ـ را در حساب خود نگه دارد تا اگر وام‌گیرنده نکول داشته باشد، این میزان در موجودی جبرانی بتواند مقداری از زیان بانک را جبران نماید (خلیلی عراقی، ۱۳۸۴، ص۱۹۱).

این راهکار نیز به لحاظ معیارهای شرعی و قانونی محدودیتی ندارد و جزء اختیارات مدیریتی و سلیقه‌ای بانک‌هاست. به لحاظ بازدارندگی نیز باعث می‌شود که بر فعالیت مشتری بانک نظارت بهتری صورت گیرد و از انحرافات احتمالی جلوگیری شود و بانک با رصد فعالیت‌های مشتری بتواند ضمن تفکیک بین مشتریان بدحساب و خوش‌حساب، اقدامات مقتضی را در زمان مناسب انجام دهد؛ همچنین در صورت بروز نکول و تخلف مبالغ موجود در حساب تحت عنوان موجودی جبرانی باعث پوشش بخشی از خسارت‌های بانکی می‌گردد. به لحاظ سرعت و سهولت نیز این راهکار بسیار ساده و آسان است و تنها یک ثبت محدودیت برداشت به‌صورت کامپیوتری نیاز دارد.

۲۵. استفاده از تاخت نکول اعتباری

در یک مشتقه اعتباری سرمایه‌بر، در ابتدای قرارداد، پرداختی از جانب فروشنده حمایت به خریدار حمایت انجام نمی‌گیرد؛ بلکه به هنگام وقوع پیشامد اعتباری، فروشنده حمایت، زیان خریدار حمایت را جبران خواهد کرد که این کار، سازوکارهای مختلفی دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

متداول‌ترین نوع مشتقات اعتباری سرمایه‌بر، «تاخت نکول اعتباری» است (آنسون و همکاران، ۲۰۰۴). به لحاظ قانونی فعلاً زیرساخت‌های لازم برای این سازوکار و ابزارها در بازار وجود ندارد؛ ولی جهت ایجاد این زیرساخت‌ها مانعی وجود ندارد از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و ایجاد انگیزه و بازدارندگی هم سالبه به انتفای موضوع است چون استفاده از این سازوکار بانک را به‌صورت کلی بیمه می‌کند و نیازی به تفکیک بین مشتریان وجود ندارد. به لحاظ جبران خسارت این راهکار بسیار اثربخش بوده و زیان‌های بانک را به‌صورت کامل پوشش می‌دهد. از نظر سرعت و سهولت هم در صورت ایجاد زیرساخت‌های لازم و بازار مشتقات کارا و پررونق در کشور استفاده از این ابزار به‌آسانی و با سرعت بسیار بالایی خواهد بود؛ اما بحث شرعی این ابزار نیازمند بررسی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

بر اساس اصالةالصحة و غیر توقیفی بودن عقود در فقه شیعه، صِرف مستحدث‌بودن این قراردادها مشکلی ایجاد نمی‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۳)؛ پس این قراردادها بر اساس ضوابط فقهی باب معاملات بررسی می‌شود اگر این ضوابط را رعایت کردند می‌توان قائل به مشروعیت آنها شد و در غیر این صورت امکان استفاده از آنها در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا وجود ندارد.

۱. ربا: ممکن است گفته شود که بیمه‌گذار مبلغ بیشتر یا کمتری را در ازای جریانات نقدی ثابت می‌پردازد و احتمال کمی وجود دارد که مبلغ پرداختی دقیقاً برابر جریانات نقدی ثابت باشد؛ لذا این قرارداد نوعی ربای قرضی است. در پاسخ باید گفت بیمه‌گذار، خریدار تاخت نکول اعتباری را در مقابل دریافت جریانات نقدی ثابت بیمه می‌نماید و در واقع آنچه در مقابل مبلغ پرداختی قرار می‌گیرد، تضمین خسارت احتمالی است. قرارداد تاخت نکول اعتباری شبیه به پرداخت یک وام نیست و طرفین قصد پرداخت و دریافت وام ندارند؛ از سوی دیگر پرداخت اضافی در ربا بر مبنای زمان است؛ اما در قرارداد مورد بحث، زمان تأثیرگذار نبوده و بزرگی رویداد اعتباری، تعیین‌کننده پرداخت خسارت به فروشنده تاخت نکول اعتباری است.

www.SID.ir

Archive of SID

۲. تعلیق عقد: ممکن است ادعا شود تاخت نکول اعتباری قراردادی معلق است؛ زیرا پرداخت زیـان در این قرارداد معلق به وقوع رویداد اعتباری است. در پاسخ بـاید گفت آنچه موجب بطلان عـقد اسـت تعلیق در اصل عقد و مقام انشاست؛ ولی در متعلق عقد موجب بطلان آن نیست؛ پس در قرارداد تاخت نکول اعتباری، اعتباردهنده (خریدار تاخت نکول اعتباری) مبالغ ثابتی را به شرکت بیمه یا صندوق بازنشستگی (فروشنده تاخت نکول اعتباری) پرداخت می‌کند و در قـبال ایـن مبالغ، در مقابل خطر ناشی از ریسک اعتباری طرف سوم (اعتبارگیرنده) ایمنی و اطمینان دریافت می‌نماید؛ درنتیجه از ابتدای قرارداد، همه‌چیز منجز، قطعی، مشخص و بدون تعلیق است؛ پس از این نظر خدشه‌ای به قرارداد وارد نمی‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۷، ص۶۱).

۳. غرری‌بـودن: ممکن است گفته شود طرفین قرارداد نسبت به وقوع یـا عـدم وقـوع رویداد اعتباری بی‌اطلاع هستند؛ زیرا از سویی نسبت به پرداخت فروشنده تاخت نکول اعـتباری به خریدار آن به دلیل عدم اطمینان از وقوع رویداد اعتباری نااطمینانی وجود دارد و از سوی دیگر مبلغ پرداختی تـوسط فـروشنده تاخت نکول اعتباری به خریدار این تاخت هم در زمان انعقاد قرارداد مشخص نـیست. در پاسخ باید گفت که در قبال پرداخت مبالغ ثـابت از سـوی خریدار تاخت نکول اعتباری، فروشنده نسبت به جبران زیان ناشی از وقوع رویداد اعتباری مـتعهد مـی‌شود؛ ازاین‌رو شـرایط قرارداد ازجمله ثمن و مثمن، هدف از انجام عقد و چگونگی تسویه، کاملاً مشخص و بدون عدم اطمینان است (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۱، ص۱۲۹).

۴. حرمت أکل مال به باطل: به نظر مـی‌رسد ازآنجاکه قرارداد تاخت نکول اعتباری در دنیای کنونی بر اساس نیازهای جدید شکل گرفته و منافع عقلایی و منطقی بر آن متصور است و حمایت و اطمینان خاطر از نظر عقلا و عرف دارای ارزش مالی است، از نظر أکل مال به باطل مشکلی وجود ندارد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۷، ص۶۳).

۵. حرمت قمار: ممکن است گفته شود که این ابزار مالی شبیه قمار است؛ مشخص است که بین ریسک و مفاهیم مشابه، تفاوت وجود دارد و اساساً هر معامله‌ای همراه با ریسک است و این به منزله غیر شرعی‌بودن آنها نیست. ریسک در مضاربه، مرابحه،

www.SID.ir

Archive of SID

اجاره، استصناع و سایر قراردادهای اسلامی و غیر اسلامی نیز وجود دارد؛ لذا صِرف تشابه بین قمار و تاخت نکول اعتباری باعث حرمت نمی‌گردد؛ بلکه قمار در جایی تعریف می‌شود که غرض عقلایی وجود ندارد و احتمال برد یا باخت ۵۰ـ۵۰ است. تفاوت دیگر بین قمار و قرارداد تاخت نکول اعتباری این است که قمارباز بعد از برد در قمار و کسب سود در وضعیت بهتری خواهد بود؛ اما در قرارداد تاخت نکول اعتباری خریدار اعتبار بعد از دریافت خسارت از فروشنده در وضعیتی مشابه حالت قبل قرار می‌گیرد؛ لذا از این نظر هم خللی به این قرارداد وارد نمی‌شود (همان).

۶. ممنوعیت ضرر: در قرارداد تاخت نکول اعتباری، گرچه ممکن است یکی از دو طرف قرارداد در نهایت با ضرر از قرارداد خارج شود؛ ولی این ضرر به خاطر ماهیت قرارداد نیست؛ بلکه آنچه در این قرارداد موضوعیت دارد حمایت اعتباری است که در نتیجه قرارداد حاصل می‌شود. حال ممکن است این حمایت، با سود یا زیان برای هریک از دو طرف همراه باشد. در مجموع ماهیت این قرارداد به‌گونه‌ای نیست که موجب ضرر دو طرف شود؛ از سوی دیگر اثرات مثبت این قرارداد بر فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه برای بانک‌ها نشان می‌دهد که این نوع قرارداد در مجموع موجب واردشدن ضرر به جامعه نمی‌گردد؛ برای مثال کاربرد این قرارداد می‌تواند موجب کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها، تنظیم بازده پرتفوی‌های اعتباری و کاهش تأثیر چرخه اقتصادی بر بنگاه‌ها شود (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۱، ص۱۳۱).

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تاخت نکول اعتباری دارای ویژگی‌ها و شرایط یک قرارداد صحیح از نظر شرعی هست و از نظر معیارهای عمومی فقهی قراردادها صحیح بوده و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مدیریت ریسک در نظام بانکی استفاده گردد.

۲۶. استفاده از سازوکار بیمه سپرده‌ها

این راهکار نیز به لحاظ شرعی و قانونی مشکلی نداشته و خسارت‌های سیستم بانکی را پوشش داده و از بحران‌های احتمالی جلوگیری می‌کند و پیاده‌سازی آن نیز بسیار ساده است؛ اما نسبت به تفکیک بین عوامل تأخیر و انگیزه ساکت است.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۷. ایجاد کمیته عالی مدیریت ریسک

ایجاد کمیته عالی مدیریت ریسک در بالاترین رده‌های سازمانی بانک جهت رصد بهتر ریسک‌های مؤثر بر فعالیت بانک‌ها نیز به لحاظ شرعی و قانونی محدودیتی نداشته و جزء اختیارات مدیریت ارشد بانک‌هاست. از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و ایجاد انگیزه بازپرداخت به موقع تسهیلات، این راهکار وارد جزئیات عملیات تسهیلات‌دهی نمی‌شود؛ ولی با تهیه و ابلاغ راهکار و دستورالعمل‌هایی می‌تواند باعث ارتقای سطح کیفی رفتاری بانک از نظر معیارهای مدیریت ریسک از جمله ریسک اعتباری گردد. ایجاد این سازوکار تخصصی در بانک از نظر سرعت و سهولت نیز بسیار مطلوب است و صرفاً نیازمند جذب افراد متخصص جهت انجام بهینه وظایف این جایگاه سازمانی است. در صورت ایجاد این سازوکار تخصصی و در اولویت قرارگرفتن مدیریت ریسک در ساختار سازمانی بانک، خسارت‌های بانک نیز از طریق پیشگیری از خسارت‌های احتمالی آتی به علت مدیریت بهینه‌تر کاهش یافته و جبران خواهد شد.

۲۸. رعایت مصوبات کمیته بازل در حوزه مدیریت ریسک خصوصاً مسائل مربوط به اصول مدیریت ریسک اعتباری و کفایت سرمایه

ازآنجایی‌که اکثر مصوبات کمیته بازل در حوزه مدیریت ریسک اعتباری مربوط به رعایت استانداردهای احتیاطی و حفظ ذخایر احتیاطی و رعایت کفایت سرمایه بانک است از نظر شرعی و قانونی محدودیتی نداشته و به جهت ارتقای سلامت بانک و پیشگیری از بحران‌های احتمالی بسیار مطلوب نیز هست. از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و کاهش انگیزه نکول نیز به علت حرفه‌ای‌تر، عملیات مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها مناسب بوده و سبب جلوگیری و جبران هرچه بیشتر خسارت‌های بانکی می‌شود. با توجه به اینکه این مصوبات به‌صورت دستورالعمل‌های اجرایی تدوین می‌گردد و معمولاً بانک مرکزی کشور نیز تعدیلاتی در جهت بومی‌سازی مصوبات این کمیته انجام می‌دهد، پیاده‌سازی و اجرای آنها نیز بسیار سهل و ساده بوده و صرفاً به انجام تغییرات نرم افزاری و برنامه‌نویسی از جانب ستاد مرکزی بانک نیاز دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۹. قاطعیت در اجرای قوانین و مصوبه‌ها توسط بانک‌ها

این راهکار نیز مشابه راهکار قبلی بوده و هیچ‌گونه محدودیت شرعی و قانونی نداشته و به لحاظ سایر معیارها نیز محدودیتی ندارد و مطلوب است (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۴).

۳۰. پیگیری حقوقی

پیگیری حقوقی پرونده‌های مربوط به مطالبات معوق بانک‌ها جزء حقوق قانونی و شرعی هر بانکی است و از این نظر کاملاً صحیح است. طی مراحل قانونی و گرفتن حکم دادگاه درباره هر پرونده قطعاً تفاوت‌های بین متخلفین را نیز لحاظ می‌کند و بین افراد ورشکسته و معسر و متخلفین تفاوت قائل می‌شود؛ چون پرونده‌ها مورد به مورد بررسی می‌شوند. به لحاظ ایجاد انگیزه و بازدارندگی و جبران خسارت بانک نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. در بسیاری از موارد طی‌کردن مراحل قانونی و حقوقی وصول مطالبات بانک به قدری طولانی و زمان‌بر می‌شود که ارزش طلب به علت شرایط تورمی جامعه به مرور زمان کاهش پیدا می‌کند و در صورت پیروزی در دعوای حقوقی هم، حقوق بانک استیفا نمی‌گردد؛ چراکه لازم است هزینه‌های زیادی را صَرف طی مراحل قانونی کند و علاوه بر این، گذر زمان ارزش بدهی را کاهش می‌دهد؛ پس در بسیاری از موارد، بازدارندگی کافی در این راهکار وجود ندارد و خسارت‌های واردشده بر بانک خصوصاً هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته بانک جبران نمی‌گردد. به لحاظ سرعت و سهولت نیز این راهکار به علت کندی بسیار زیاد طی مراحل دعاوی حقوقی در کشور وضعیت بسیار نامطلوبی دارد و از اساس در بسیاری از موارد برای مبالغ کم پیگیری حقوقی مطالبات بانکی به‌صرفه نمی‌باشد (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۳ـ۱۱۴).

۳۱. واگذاری پرونده‌های خاص به شرکت‌های ساماندهی مطالبات معوق

این راهکار ازآنجاکه بر اساس عقد شرعی خرید دِین بنا شده است و دیون و تسهیلات مورد نظر نیز دیون واقعی هستند به لحاظ شرعی محدودیتی ندارد. به لحاظ قانونی هم مانع جدی بر سر راه وجود ندارد و صرفاً به یک آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی نیاز دارد؛ چراکه اصل خرید دین در ملحقات قانون عملیات بانک وارد شده است. به لحاظ

www.SID.ir

Archive of SID

بازدارندگی نیز می‌تواند راهکاری مؤثر باشد؛ چـون مشـتریان در صـورت نکـول در انجـام تعهدات خود واگذاری پرونده به این شرکت‌ها با مجموعه‌ای تخصصـی و متعهـد و پیگیـر مواجه خواهد شد؛ لذا سعی می‌کنند تا حد ممکن به این مرحله نرسند. بـه لحـاظ تفکیـک بین عوامل تأخیر نیز بانک باید بر اساس اطلاعات مشتریان تفکیک‌های لازم را انجـام دهـد و هر پرونده‌ای را وارد این مرحله ننماید؛ ولی به خودی خود ایـن مؤلفـه در ایـن راهکـار رعایت نمی‌گردد. به لحاظ جبران خسارت‌های بانک نیز در بسیاری مواقع بـرای بانـک بـه صرفه است که پرونده‌های مشکل‌دار خود را به تنزیل حتی در بعضی مـوارد تـا ۵۰ درصـد تنزیل به شخص ثالث واگذاری نماید و هم تراز عملیاتی خود را بهبود بخشد و بـه عـلاوه بخشی از منابعی را که وصول آنها مبهم است را نقد کند. به لحاظ سهولت و آسانی نیز این راهکار برای بانک‌ها بسیار سهل و مناسب است (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۰ـ۱۷۴).

۳۲. بازبینی قوانین و مقررات قضایی مربوط به مطالبات معوق و تسریع در رسیدگی قضایی

این راهکار نیز مانند راهکار قبل است و هرچند تحقـق آن امـری دشـوار و نیازمنـد همـت دستگاه قضایی و شبکه بانک است؛ اما اگر محقق شود مشکل ریسـک اعتبـاری کشـور بـه میـزان قابـل تـوجهی هـم از جهـت بازدارنـدگی از تخلـف و همچنـین از جهـت جبـران خسارت‌های بانکی و غیره حل خواهد شد (همان، ص۱۷۲).

۳۳. بازبینی قوانین و مقررات مربوط به جریمه تأخیر تأدیه و استفاده از تنبیهات مکمل

بازبینی قوانین مربوط به جریمه تأخیر امـری لازم و ضـروری بـوده کـه بـه لحـاظ شـرعی مشکلی ندارد و به لحاظ قانونی نیز منعی برای آن نیست؛ ولی نیازمند طـی مراحـل قـانونی هست که معمولاً زمـان‌بـر و دشـوار هسـتند. در صـورت ایجـاد روش‌هـای کـاراتر قطعـاً بازدارندگی از تخلف و جبران خسارت‌های بانکی بهبود خواهد یافت و تفکیک بین عوامل تأخیر نیز بهتر صورت خواهد گرفت (همان، ص۱۷۱).

۳۴. تخصصی‌شدن اعطای تسهیلات بانکی

به‌طور طبیعی هیچ بانکی نمی‌تواند در تمامی حوزه‌های اقتصـادی ورود نمایـد و اگـر هـم

www.SID.ir

Archive of SID

بتواند بسیار دشوار و هزینه‌زا خواهد بود. اگر بانکی بخواهد حوزه فعالیت خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که تمامی بخش‌های اقتصادی را پوشش دهد یا باید اقدام به جذب نیروی متخصص برای تک‌تک حوزه‌ها نماید یا اینکه تخصیص منابع آن بانک با خطا مواجه خواهد شد. تخصصی‌شدن اعطای تسهیلات در نظام بانکی کشور به لحاظ قانونی و شرعی هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و یک تصمیم مدیریتی بانک در جهت ارتقای صحت و دقت عملیات بانکی به حساب می‌آید که قطعاً می‌تواند موضوع تقدیر واقع شود. اساساً بانک‌های فعال در سیستم بانکی کشور به دو دسته کلی تخصصی و عام تقسیم می‌شوند و این مسئله در برخی بانک‌های کشور مانند بانک مسکن، بانک توسعه صادرات، توسعه تعاون، قرض‌الحسنه مهر، رسالت و غیره به‌صورت خودکار رعایت می‌شود. برخی بخش‌بندی‌های و تقسیم وظایف دیگر هم به‌صورت رسمی و با بخشنامه‌های بانک مرکزی صورت گرفته است.

چنین بخش‌بندی‌ها و تقسیم وظایفی بین بانک‌های فعال در کشور می‌تواند صورت گیرد و محدودیت شرعی و قانونی در این حوزه وجود ندارد. این راهکار از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و ایجاد انگیزه پرداخت به‌موقع و بازدارندگی از نکول به‌صورت مستقیم ساکت است؛ ولی به‌صورت غیر مستقیم به علت کمک به تخصصی‌شدن عملیات بانکی و امکان رصد دقیق‌تر رفتار مشتریان بسیار راهگشا خواهد بود و از مخاطرات اخلاقی و عدم تقارن اطلاعاتی می‌کاهد و به همین دلیل به راحتی می‌توان بین عوامل تأخیر و مشتریان خاطی و غیر خاطی تمییز قائل شد و مشتریان نیز به علت اینکه می‌دانند تحت نظارت دقیق و علمی بانک هستند کمتر انگیزه تخلف و نکول پیدا می‌کنند. این راهکار به دلیل مدیریت بهینه‌تر تخصیص منابع و کنترل و نظارت بهتر پس از اعطای تسهیلات باعث کاهش زیان‌های احتمالی آتی شده و به علت داشتن توانایی تخصصی بانک در رصد فعالیت اقتصادی مشتریان و فضای حاکم بر صنعت و بازاری که مشتری در آن فعالیت می‌کند بانک می‌تواند از زمان مناسب جهت انجام اقدامات پیشگیرانه و مثلاً به اجراگذاشتن وثایق و غیره آگاهی کسب کند و خسارات احتمالی بانک در صورت نکول را جبران کند.

www.SID.ir

Archive of SID

از نظر سرعت و سهولت نیز این راهکار نیازمند عزم جدی شبکه بانکی نسبت به این تصمیم اساسی و استراتژیک بوده و پس از آن باید نیروها و کارکنان خود را بر اساس حوزه فعالیت خود جذب نموده و یا آموزش دهد که البته دشوار و زمان‌بر است.

۳۵. تخصصی‌شدن حوزه‌های تخصیص منابع شعب یک بانک

علاوه بر راهکار فوق و تخصصی‌شدن حیطه فعالیت بانک‌ها به نظر می‌رسد اگر بین شعب یک بانک نیز تقسیم حوزه‌های کاری صورت گیرد و هر شعبه منابع خود را بر اساس موقعیت شهری و غیره بیشتر در یک یا چند حوزه خاص متمرکز کند امکان تخصیص منابع بهینه‌تر فراهم خواهد آمد. این راهکار از نظر تطابق با معیارهای راهکار مطلوب، مشابه راهکار قبل است.

۳۶. تشکیل صندوق‌ها یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک جهت تخصیص تسهیلات مشارکتی

بانک بر اساس فلسفه ذاتی خود بیشتر با فعالیت‌های مبادله‌ای و غیر مشارکتی تناسب دارد و به‌صورت کلاسیک فعالیت‌های از جنس مشارکتی بیشتر در حوزه شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بازار سرمایه می‌باشند؛ از طرف دیگر معمولاً تسهیلات از جنس مشارکت دارای نرخ بازدهی بالاتری نسبت به تسهیلات مبادله‌ای هستند و به همین دلیل ورود به این حوزه برای بانک‌ها جذاب است. به نظر می‌رسد یک اقدام مناسب جهت تخصیص بهینه‌تر منابع و همچنین اجتناب از ریسک‌های خاص تسهیلات مشارکتی تأسیس صندوق‌ها یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته یا متعلق به بانک جهت تخصیص بهینه منابع مشارکتی و ارتقای نظارت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. این راهکار نیز از نظر تطابق با معیارهای راهکار مطلوب، مشابه راهکار قبل است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته مجموعه راهکارهای موجود در سیستم بانکی جهت مواجهه با عوامل خرد مؤثر بر ریسک اعتباری برشماری‌شده و با استفاده از برخی راهکارهای پیشنهادی تکمیل گردیدند و بر اساس معیارهای راهکار مطلوب یعنی مجوز

www.SID.ir

Archive of SID

شرعی، مجوز قانونی، سرعت و سهولت، بازدارندگی، جبران خسارت و تفکیک بین عوامل تأخیر بررسی شدند و در نهایت بسته مدیریتی مناسب جهت مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها ارائه گردید؛ به‌گونه‌ای که برای هریک از عوامل یک یا چند راهکار متناسب با ماهیت هر عامل ارائه شده است.

عوامل درون‌زا	شماره راهکار
ضعف در فرایند کارشناسی اعطای تسهیلات و مداخلات سلیقه‌ای	۱-۲- ۳-۴-۵-۶-۷-۸-۱۲-۱۳-۱۶-۱۷- ۱۹-۲۹-۳۵-۳۶
عدم اخذ تضامین مناسب	۹-۱۰-۱۱-۲۴- ۳۳
کیفیت اعتباری پایین وام‌گیرنده	۱-۲-۴-۵-۶-۲۲-۲۳-۲۵
ضعف در فرایند نظارت و پیگیری وصول مطالبات	۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵- ۳۰-۳۱-۳۳
رفتار ریسک‌پذیرانه مدیریت بانک	۱۹-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸
ضعف در ویژگی‌های ساختاری بانک	۲۷-۲۹-۲۸
ویژگی‌های مورد مصرف تسهیلات	۱۴-۱۵-۱۶-۲۰-۲۲-۲۳-۳۴-۳۵-۳۶

منابع و مآخذ

۱. آقامهدوی، اصغر و سیدمحمدمهدی موسوی؛ «ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و امکان استفاده از تاخت نکول اعتباری جهت کنترل آن»، **فصلنامه جستارهای اقتصادی**؛ س۹، ۱۳۸۷.
۲. آهنگران، محمدرسول و فرشته ملاکریمی‌خوزانی؛ «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۴۰، ۱۳۹۰.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ «مجموعه رهنمودها برای مدیریت مؤثر ریسک عملیاتی»؛ بانک مرکزی، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، ۱۳۸۶.

www.SID.ir

Archive of SID

۴. خاکی، غلامرضا؛ **روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی**؛ تهران: انتشارات بازتاب، ۱۳۸۴.
۵. خدامی، وحید؛ «اعتبارسنجی واحدهای تجاری دریافت‌کننده تسهیلات مالی مبتنی بر صورت‌های مالی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد و حسابداری، ۱۳۹۱.
۶. خوانساری، رسول و همکاران؛ «بررسی فقهی امکان به‌کارگیری سوآپ نکول اعتباری ورق اعتباری در مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها»، **دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی**؛ س۲، ش۲، ۱۳۹۱.
۷. خلیلی عراقی، مریم؛ «مدیریت ریسک اعتباری با به‌کارگیری مدل‌های تصمیم گیری»، **فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی**؛ س۵، ش۱۶، ۱۳۸۴.
۸. دهمرده، نظر و زهرا کسایی؛ «ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران(۱۳۳۸ـ۱۳۸۶)»، **دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران**؛ دوره۸، ش۱۵، ۱۳۹۰.
۹. زارع قاجاری، فردوس و همکاران؛ **همگرایی بین المللی در زمینه استانداردها و اندازه گیری سرمایه بانک‌ها** (توافقنامه بال ۲)؛ ترجمه انتشارات کمیته نظارت بانکی بال بانک تسویه بین المللی؛ ج۱، تهران: معاونت نظارتی بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۸۵.
۱۰. زین‌الدین، مجید و احسان ذاکرنیا؛ **بررسی عوامل تشدید ریسک اعتباری و ارائه راهکارهای مناسب جهت مدیریت بحران اعتباری در نظام بانکداری بدون ربای ایران**؛ تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۶.
۱۱. شعبانی، احمد و سجاد سیف‌لو؛ «مقایسه تطبیقی بانکداری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید»، **دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی**؛ ش۵، ۱۳۹۰.
۱۲. صفری، محدثه؛ «بررسی تاثیر نسبت‌های مالی بر روند مطالبات معوق بانک‌ها»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران: دانشکده اقتصاد، ۱۳۸۹.
۱۳. کاتوزیان، ناصر؛ **وقایع حقوقی**؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
۱۴. گزارش سازمان حسابرسی در خصوص وضعیت مطالبات معوق بانکی کشور، ۱۳۹۳.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ **ربا و بانکداری اسلامی**؛ تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی؛ قم: مؤسسه امام علی علیه‌السلام، ۱۳۷۶.

۱۶. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»، **فصلنامه فقه و حقوق**؛ ش۳، س۸، ۱۳۸۶.

۱۷. موسویان، سیدعباس و محمدمهدی موسوی بیوکی؛ «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی‌از طریق سوآپ نکول اعتباری»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ س۹، ش۳۳، ۱۳۸۸.

۱۸. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ **بانکداری اسلامی مبانی نظری تجارب عملی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳.

۱۹. موسوی بجنوردی، محمد؛ «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»، **مجله متین**؛ ش۱۹، ۱۳۸۲.

۲۰. وحدتی‌شبیری، سیدحسن؛ «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، **فصلنامه علمی‌پژوهشی اقتصاد اسلامی**؛ س۳، ش۱۲،۱۳۸۲.

۲۱. همتی، عبدالناصر و شادی محبی‌نژاد؛ «ارزیابی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها»، **فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد**؛ ش۶، ۱۳۸۸.

22. Basel Committee on Banking Supervision; **Principles for the Management of Credit Risk**, 1999.

23. Christine M. Cumming; Beverly J. Hirtle.; "The Challenges of Risk Management in Diversified Financial Companies", vol. 7, no. 1, 2001.

24. Dimitrios P.Louzisab, Angelos T.Vouldisac, Vasilios L.Metaxas; "Macroeconomic & bank-specific determinants of non-performing loans in Greece: A comparative study of mortgage, business & consumer loan portfolios", **Journal of Banking & Finance**; No.36, 2012.

www.SID.ir

Archive of SID

25. Fabozzi, frank J. and Anson, mark J.P; **Credit Derivatives: Instruments, Applications and Pricing**; John Wiley & Sons, 2004.
26. Goldstein, Morris & Turner, Philip, Banking; **Crises In Emerging Economies**; Origins and Policy Options, 1996.
27. Hassan, Kabir & Lewis, Mervyn; **Handbook of Islamic banking**; Cheltenham, UK, Northampton, MA: Edward Elgar (Elgar original reference).2007.
28. Klomp, J. and Haan, J.; "Central Bank, independence and nancial instability", **Working paper**; University of Groningen, Netherlands,CESifo, Munich, Germany, 2008.
29. Messai, Ahlem Selma; Jouini, Fathi.; "Micro and Macro Determinants of Non-performing Loans", **International Journal of Economics and Financial**; Issues 3 (4), 2013.
30. Ross, Stephen A. Westerfield, Randolph, Jordan, Bradford D.; **Fundamentals of corporate finance**; 10th ed. standard ed. New York, NY: (The McGraw-Hill/Irwin series in finance, insurance & real estate), 2013.
31. Saunders, A. & Cornett, M.; **Financial Institutaions Management A risk management approach**; 8th Edition, New York: McGraw-Hill, 2011.

www.SID.ir